



کشمکش هسته‌ای ایران: فرار از بادهای جنگ^۱

پائولو کوتا-راموسینو

۲۲ فوریه ۲۰۱۲ (مطابق با ۳ اسفند ۱۳۹۰)^۲

بحران کنونی پیرامون برنامه‌ی هسته‌ای ایران به مرحله نوبنی رسیده است: احتمال گزینه‌ی نظامی علیه ایران از سوی اسرائیل و یا ایالات متحده بیشتر و بیشتر به گزینه‌ای تبدیل شده است، که در نظر گرفته می‌شود و به طور آشکار مورد بحث قرار می‌گیرد. ارزیابی بی‌طرفانه‌ی خطرات ناشی از برنامه‌ی هسته‌ای ایران اغلب بر اثر تبلیغات حزبی (سیاسی) در حاله‌ای از ابهام است. بحث‌های عمومی در مورد حق ایران بر اساس «معاهده‌ی منع گسترش اتمی» (ان.پی.تی)^۳ و پایبندی کنونی به تعهداتش در قبال «ان.پی.تی»، بر اثر بیش از یک دهه اتهاماتی که اغلب فعالیت‌های مشروع مجاز برای هر کشور عضو «ان.پی.تی»، را با موارد نقض این معاهده اشتباه می‌گیرند، مختل شده است. نه تنها به خطر افتادن صلح در خاورمیانه، بلکه احتمال (بروز) یک بحران جدی برای خود «ان.پی.تی» مطرح است. به منظور درک بهتر این وضعیت، و آنچه می‌تواند انجام شود، ما با برخی از ملاحظات تاریخی آغاز می‌کنیم، و سپس در

^۱ *The Iranian Nuclear Controversy: Escaping the Winds of War*

^۲ پروفیسور پائولو کوتا-راموسینو Paolo Cotta-Ramusino، دبیر کل همایش‌های پاگواش در علوم و امور جهانی Pugwash Conferences on Science and World Affairs و استاد فیزیک نظری در دانشگاه میلان است. در حالی که دیدگاه‌های مطرح شده در این مقاله تنها به نویسنده تعلق دارد، وی از اظهارنظرهایی درباره‌ی پیش‌نویس‌های این نوشتار از سوی استیو میلر، سرگئی باتسانوو، فرانک فون هیپل، پیتر جنکینز و دیگران بسیار قدردانی می‌کند.

^۳ Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT)

مورد مسالهی اقداماتی که می‌تواند برای حفظ صلح در خاورمیانه اکنون انجام شود، بحث می‌کنیم.

زمینه‌ی تاریخی و حقایق بنیادی

۱. ایران دارای حق غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای برای برنامه‌ی هسته‌ای غیرنظامی خود، (که زیر نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - آی.ا.ئی.ا قرار دارد) است، حتی اگر این برنامه باعث بروز نگرانی‌هایی در برخی کشورهای دیگر می‌شود. برنامه‌ی هسته‌ای ایران دارای پیشینه‌ای طولانی است، که به دوران شاه برمی‌گردد. (این برنامه) پس از انقلاب ۱۹۷۹ متوقف شد؛ و در اواخر دهه‌ی ۸۰ از سر گرفته شد. به هر حال، ایران در دوره‌ی هجده ساله‌ی پیش از ۲۰۰۳ م (۱۳۸۲) اقدام به انجام برخی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم بدون گزارش دادن این فعالیت‌ها به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نموده بود، که بر اساس موافقت-نامه‌های پادمان‌های این آژانس ضروری است. بنابراین، ایران مسئول "کوتاهی در دادن گزارش واردات و استفاده از مواد هسته‌ای" شناخته شد. پس از ابراز نگرانی‌ها در سطح بین‌المللی، ایران اطلاعات مورد نیاز را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داد؛ و نیز دسترسی به فعالیت‌ها و به مراکزی که پیشتر آنها را به آژانس اعلام نکرده بود، فراهم ساخت. افزون بر این، پس از درخواست از مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران به عنوان نشانه‌ای از حسن-نیت به اصطلاح پروتکل الحاقی (اضافه بر توافقنامه‌ی پادمان خود با آژانس) را امضا و به‌طور موقت در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۵ م (۱۳۸۲-۱۳۸۴) اجرا کرد، که اطلاعات و حق بازرسی بسیار بیشتری به آژانس می‌دهد. در همان سال‌ها، ایران با پافشاری سه کشور اروپایی

(انگلستان، فرانسه و آلمان)، و به عنوان اقدامی داوطلبانه و از نظر قانونی غیرالزام آور، فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را به حالت تعلیق درآورد. با این وجود، طرف صحبت مورد انتظار در غرب به ویژه در این سه کشور اروپایی پیدا نکرد. به جای آن، (پرونده) ایران در سال ۲۰۰۶م (۱۳۸۵) به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داده شد، که ایران را ملزم به توقف کامل فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود کرد. در مورد قانونی بودن این تصمیم شورای امنیت سازمان ملل (که چندین بار مورد تایید قرار گرفت، و با اعمال تحریم‌ها اجرا شد)، شک و تردید وجود دارد؛ زیرا این نوع قطعنامه‌های شورای امنیت (یعنی قطعنامه‌های لازم‌الاجرا با تحریم و دیگر اشکال زور) باید تنها در جایی به تصویب برسند که آشکارست "تهدیدی برای صلح" وجود دارد. ایران ادعا کرد که این قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل غیرقانونی بودند، و این که شورای امنیت نباید درگیر می‌شده است، مگر این که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انحراف مواد هسته‌ای برای اهداف نظامی یا ممنوع شده را اثبات کرده بود. در هر صورت، ایران از پذیرش تصمیم‌های شورای امنیت سازمان ملل خودداری کرد، و هنوز هم از این کار خودداری می‌کند. بر اثر آرای موافق (۴ فوریه ۲۰۰۶ مطابق با ۱۵ بهمن ۱۳۸۴) هیات حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای فرستادن (پرونده‌ی) ایران به شورای امنیت سازمان ملل، دولت جدید ایران به رهبری آقای احمدی نژاد در ۶ فوریه ۲۰۰۶ اجرای پروتکل الحاقی امضا شده - اما هنوز تصویب نشده - را به حال تعلیق درآورد. در آوریل، محمود احمدی نژاد اعلام کرد، که ایران با موفقیت غنی‌سازی اورانیوم را انجام داده است. اگرچه در برخی مواقع، ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مانند این که هنوز در چارچوب پروتکل الحاقی و ترتیبات فرعی است، همکاری کرد. (به طور نمونه، بازدید هیات آژانس از نسل جدید سانتریفیوژ، تاسیسات

پژوهش و توسعه، و نیروگاه اراک در اوت (۲۰۱۱).

۲. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سال ۲۰۰۲ مشغول رسیدگی دقیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران، که پیشتر اعلام نشده بودند، بوده است. "موارد حل نشده" (یعنی نکات مورد اختلاف برنامه‌ی هسته‌ای ایران) توسط آژانس مورد بررسی قرار گرفته است؛ و همه آنها (به غیر از مطالعات ادعا شده برای به اصطلاح فعالیت‌های تسلیحاتی) حل و فصل شده‌اند.

۳. موضوع مطالعات "تسلیحاتی کردن" (یعنی مساله‌ی مطالعاتی که ایران ظاهراً انجام داده است تا آماده‌ی ساخت سلاح‌های هسته‌ای شود) چندین بار از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح شده است. دو جنبه‌ی قابل توجه مربوط به این مطالعات وجود دارد. اول، این مطالعات به طور مستقل توسط آژانس نه کشف شده‌اند و نه تایید شده‌اند، اما چند "کشور عضو" (آژانس) که اطلاعاتی را از طریق سازمان‌های جاسوسی خود گردآوری کرده بودند، توجه آژانس را به آن جلب کردند. افزون بر این، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در موقعیتی نیست که درستی این مطالعات را تایید کند، و اجازه ندارد مدارک و مستندات کامل را به منظور بحث درباره این موضوع در اختیار ایران قرار دهد. دوم این که «معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» مطالعات نظری مواد منفجره‌ی هسته‌ای را که شامل مواد هسته‌ای نباشد، ممنوع نکرده است. این معاهده کشورهای غیرهسته‌ای را از تولید دستگاه‌های منفجره‌ی هسته‌ای،^۴ و دریافت هر گونه کمک در ساخت این دستگاه‌ها منع می‌کند. گزارش ۸ نوامبر ۲۰۱۱ م (۱۷ آبان ۱۳۹۰) آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره‌ی ایران به شدت به منابع اطلاعاتی خارجی بستگی دارد، و نگرانی‌هایی جدی در مورد این که آیا این اطلاعات قابل اعتماد است، و آیا نقش

⁴ nuclear explosive devices

آژانس این است که گزارش‌هایش را بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی منابع اطلاعاتی مختلف، بدون ارزیابی مستقل تهیه کند، ایجاد می‌کند. این گزارش بیان نمی‌کند که آژانس درستی (بیشتر) اطلاعات جاسوسی را تایید می‌کند؛ در حالی که ایران استدلال می‌کند که مطالعات تولید سلاح (های هسته‌ای) اساساً جعلی هستند.

۴. در کل، تمایز روشنی بین "تولید سلاح‌های هسته‌ای" و "داشتن توانایی برای به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای" حتی در یک محدوده زمانی کوتاه وجود دارد. معاهده «ان.پی.تی» نخستین گزینه را برای اعضای فاقد سلاح‌های هسته‌ای این معاهده ممنوع می‌کند، اما نمی‌تواند گزینه‌ی دومی را ممنوع کند. بسیاری از کشورها مانند ژاپن، آلمان، کانادا، کره جنوبی، برزیل و آرژانتین در موقعیتی هستند، که در چارچوب زمانی نسبتاً کوتاهی اقدام به ساخت سلاح‌های هسته‌ای نمایند. این استدلال که کشورهای مذکور قابل اعتماد و درست کردار هستند، در حالی که ایران چنین نیست، استدلالی است که ممکن است در بخشی از جهان غرب پرطرفدار باشد، اما نمی‌تواند علیه ایران در هیچ بحث استوار بر اصول حقوق بین‌الملل بکار رود. در انتها توجه کنید که «ان.پی.تی» غنی‌سازی اورانیوم حتی تا میزان مورد نیاز برای ساخت سلاح، و بازفرآوری پلوتونیوم را برای کشورهای بدون سلاح‌های هسته‌ای، به شرطی که این فعالیت‌ها برای مقاصد غیر از تولید تسلیحات (هسته‌ای) و زیر پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشند، ممنوع نکرده است. شناخت بیشتر و پذیرش این حقایق اساسی ممکن است درجه‌ی حرارت رویارویی را پایین آورد، و صدای زنگ هشدار در مورد برنامه‌ی اتمی ایران را کاهش دهد.

واقعیت‌های سیاسی و بادهای جنگ

۵. مناقشه هسته‌ای ایران به شدت با بحث‌های سیاسی بین‌المللی، و با سیاست داخلی ایران ارتباط دارد. در سوی سیاست داخلی ایران، نمی‌توان به این امر توجه نکرد که تاریخی طولانی از تبعیض قدرت‌های جهانی علیه ایران وجود دارد، که به ناچار ذهن مجموعه‌ای از بخش‌های مهمی از جامعه‌ی ایرانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مخالفت برخی از کشورهای از لحاظ اقتصادی و سیاسی مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایرانی به منزله انگیزه‌ای برای حمایت کلی افکار عمومی ایران از برنامه‌ی هسته‌ای، بدون توجه به این که چقدر هزینه‌ی (سیاسی و اقتصادی) خواهد شد، عمل می‌کند. در این مورد، به سختی می‌توان تمایزی بین دیدگاه‌های سیاسی داخلی مختلف پیدا کرد. به سادگی بیان شود، این واقعیت ندارد که بخشی از ایران که در حال انتقاد از دولت محمود احمدی نژاد است، مخالف برنامه‌ی هسته‌ای نیز می‌باشد. تفاوت در جایی آشکار می‌شود (و یا ممکن است ظاهر شود) که مربوط به مساله‌ی چگونگی برخورد ایران با سایر کشورها بر سر برنامه‌ی هسته‌ای می‌شود، اما باز هم هیچ فردی در داخل ایران از "تسلیم شدن" در برابر فشارهای خارجی پشتیبانی نمی‌کند. صرف نظر از این که چه کسی در ایران حکومت می‌کند، حق مشروع ایران برای (دستیابی به) فناوری هسته‌ای، خط قرمز برای ایران باقی خواهد ماند که فراتر از آن نمی‌خواهد عقب‌نشینی کند.

۶. مشکلات بسیاری در عملکرد زندگی سیاسی ایران و به طور ویژه در احترام به حقوق بشر وجود دارد، اما آنها تنها به طور حاشیه‌ای در مباحثه‌ی بین‌المللی ذکر شده‌اند، در حالی که مساله‌ی هسته‌ای موضوع اصلی مورد بحث است. بدون شک فشارهایی در درون ایالات متحده برای تغییر رژیم در ایران نیز وجود دارد. به هر حال، مساله‌ی هسته‌ای است که هم

اکنون در قلب رویارویی ایران و کشورهای غربی قرار دارد، و توجه بیشتر رسانه‌های بین‌المللی را جلب کرده است. دیدگاه غالب در بیشتر کشورهای غربی این است، که برنامه‌ی هسته‌ای ایران مدرک آشکاری است که ایران اعتمادناپذیر می‌باشد، که ایران مشغول فعالیت برای تولید سلاح‌های هسته‌ای و نه برای تولید انرژی صلح آمیز هسته‌ای است، و این که ایران نقشه‌های تهاجمی برای کشورهای دیگر خاور میانه و به ویژه اسرائیل در سر می‌پروراند، (و شعارهای ایران علیه اسرائیل به یقین کمک قابل توجهی به این پندار کرده است). بنابراین، مساله‌ی هسته‌ای در روابط بین غرب و ایران در مرکز قرار دارد؛ و دیدگاه غالب غرب این است که برنامه‌ی هسته‌ای ایران باید به هر قیمتی، از جمله در صورت لزوم با ابزار نظامی، متوقف شود.

۷. بادهای جنگ هم اکنون با شدت بیشتری در حال وزیدن در خاورمیانه است. در چند ماه گذشته، ما شاهد یک سری ابتکار عمل از سوی قدرت‌های غربی برای منزوی کردن بیشتر و در محاصره قرار دادن ایران بوده‌ایم. این اقدامات شامل موج جدیدی از تحریم‌های گسترده‌ی تاثیرگذار بر تولید نفت ایران و بانک مرکزی این کشور می‌شود. این موج جدید تحریم‌ها احتمال دارد که به شدت بر مردم عادی ایران تاثیر داشته باشد، که ممکن است حتی برای دسترسی به مواد غذایی و دیگر کالاهای ضروری دچار مشکلاتی شوند. نشانه‌هایی وجود دارد که این سطح جدید سختی‌ها، بر خلاف انتظارات غرب، مردم ایران را وادار به گرفتن امور "در دستان خود" و فشار برای تغییر رژیم نخواهد کرد. افزون بر این، به عنوان بخشی از استراتژی با هدف تضعیف روحیه‌ی ایران و جلوگیری از فعالیت‌های هسته‌ای آن، یک سری ترور دانشمندان و اهل فن هسته‌ای ایران که باید به شدت محکوم شود، و اعمال در ظاهر خرابکارانه در مراکز مختلف مربوط به برنامه‌ی هسته‌ای ایران، با استفاده از نرم‌افزارهای مخرب و اقدامات دیگر خرابکاری

سایبری (به عنوان مثال استاکس نت) وجود داشته است. بالاخره، ما شاهد وارد کردن انواع مختلف اتهام‌ها علیه ایران -- از جمله این اتهام مشکوک که ایران نقشه‌ی ترور سفیر عربستان سعودی در واشنگتن را کشید، بوده‌ایم.

۸. از دیدگاهی که دارای بیشترین اهمیت است، در زمان صحبت کردن در مورد وزش بادهای جنگ، باید کنایه‌های مداوم را که آمادگی برای عملیات نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران در جریان است، مطرح کرد. ما از تاریخ می‌آموزیم که هنگامی که کشورها از لحاظ روانی و واقعی در حال آماده شدن برای یک جنگ هستند، احتمال زیادی وجود دارد که پیامدش جنگ خواهد بود. جنگ سرد یک استثنای مهم بود، اما متأسفانه ممکن است این واقعیت که ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در نتیجه‌ی موازنه‌ی هسته‌ای و توازن نظامی کلی، به جنگ با یکدیگر نرفتند، وزن بیشتری به این استدلال بدهد، که کشورهای زیر فشار ممکن است لازم ببینند، که به سلاح‌های هسته‌ای به طور پیش‌گیرانه دستیابی پیدا کنند.

۹. تشدید فشار آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران را می‌توان همچنین به عنوان بخشی از سیاست اطمینان‌بخشی به اسرائیل تبیین کرد. اسرائیل احساس می‌کند که ایران اکنون دشمن اصلی‌اش است، و اسرائیل دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای را به عنوان فاجعه‌ای تحمل‌ناشدنی در نظر می‌گیرد. بنابراین استدلال این است، که اگر اسرائیل احساس کند در مبارزه خود علیه ایران تنها می‌باشد، دست به هر کاری برای جلوگیری از برنامه‌ی هسته‌ای حتی استفاده از ابزار نظامی خواهد زد. بر عکس، اگر اسرائیل ببیند که گروه بزرگی از کشورهای قدرتمند مخالف ایران وجود دارد، با دیگران هماهنگ می‌کند و گام‌های یک‌جانبه برنخواهد داشت.

۱۰. متأسفانه اوضاع بسیار متفاوت با واقعیت است. اسرائیل، با مشاهده‌ی نگرانی زیاد در کشورهای غربی در مورد برنامه‌ی هسته‌ای ایران، احساس می‌کند که حالا می‌تواند دلایل بسیار بیشتری برای نگران بودن از ایران، افزون بر آنچه در گذشته مطرح شده، وجود داشته باشد، و این که زمان برای اقدام مؤثر اسرائیل در حال اتمام است. از این راه و آن راه، اسرائیل در حال پخش پیامی است که به جای اقدام کردن با (همکاری) دیگران در آینده، به طور جدی در حال بررسی به تنهایی اقدام کردن در حال حاضر است، و مهم نیست چگونه.

۱۱. در ایالات متحده، کنگره بر اثر ملاحظات سیاسی که لزوماً به مسائل هسته‌ای ایران ارتباط ندارند، نه تنها تحریم‌های بیشتری را خواهان است، بلکه همچنین در حال ایجاد موانعی بر سر راه مذاکرات با ایران (قطعنامه ۱۹۰۵ مجلس نمایندگان را ملاحظه کنید) می‌باشد. این کار باعث بسیار سخت‌تر شدن حل و فصل صلح آمیز می‌شود.

۱۲. در ایران، شرایطی که ایجاد شده به احتمال زیاد بر نیاز ایران برای آماده شدن هر چه بیشتر، و "در صورت نیاز" قادر به توسعه سلاح‌های هسته‌ای بودن در یک چارچوب زمانی کوتاه تأکید خواهد کرد. ایرانیان متوجه شده‌اند که تحریم‌های علیه ایران شدیدتر از تحریم‌های ضد کره شمالی هستند، که بر خلاف ایران، از معاهده‌ی «ان.پی.تی» خارج شد، و اقدام به تولید سلاح‌های هسته‌ای کرد. پس ایرانی‌ها دارای "بازدارندگی هسته‌ای" نیستند، اما در حال پرداخت تمام هزینه‌های دارا بودن (سلاح هسته‌ای) می‌باشند. افزون بر آن، به نظر می‌رسد که برخی افراد تندرو در درون تشکیلات داخل ایران وجود دارند، که بنا به دلایل ایدئولوژیک و یا به دلایل مربوط به سیاست داخلی، جنگ را به هر شکل سازش با غرب ترجیح می‌دهند. حمله‌ی غیر طبیعی به سفارت بریتانیا به خوبی ممکن است بیان رویکرد "هر چه بدتر، بهتر"

باشد.

پیامدهای حمله‌ی نظامی به ایران

۱۳. عوامل بسیاری وجود دارد که با یکدیگر منجر به ایجاد شرایط رویارویی خشونت آمیز در خاورمیانه بر سر برنامه‌ی هسته‌ای ایران می‌شوند. اگر اوضاع بد شود، می‌تواند پیامدهای بسیاری داشته باشد، که همه‌ی آنها بسیار جدی خواهند بود.

۱۴. اگر به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله شود، خواهیم دید که یک عضو «ان.پی.تی» (ایران) از حق ماده‌ی چهارم این معاهده به زور محروم شده است؛ و تاسیسات هسته‌ای‌اش به طور مستقیم و یا با همکاری یک کشور (اسرائیل) که عضو «ان.پی.تی» نیست و به طور گسترده‌ای تنها کشور دارای سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه تصور می‌شود، مورد حمله قرار گرفته است. انگیزه‌ی ایران برای حفظ پایبندی خود به معاهده «ان.پی.تی» چه خواهد بود؟ هیچ! کشورهای دیگر در خاورمیانه در مورد «ان.پی.تی» چه فکری خواهند کرد؟ آیا آنها، مثل این که هیچ اتفاقی نیفتاده است، عضو «ان.پی.تی» باقی خواهند ماند؟ دلایل زیادی برای تردید در این مورد وجود دارد. در این شرایط، سخن گفتن از کنفرانس ۲۰۱۲ در مورد منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاور میانه، مثل زندگی کردن در سیاره‌ی دیگری به نظر می‌آید. از این گذشته، دلسردی نسبت به معاهده‌ی منع گسترش (سلاح‌های) هسته‌ای ممکن است فراتر از خاورمیانه گسترش یابد.

۱۵. در مورد عملیات نظامی، همیشه درک می‌شود که نقطه‌ی شروع کجاست، اما هیچ کس نمی‌داند که کجا به پایان خواهد رسید. چرا معقول و منطقی است، که انتظار داشت ایران

پس از نخستین حملات علیه اراک، نطنز (و جاهای دیگر) تسلیم شود؟ چه باعث می‌شود که مردم فکر کنند که این حملات محدود به مراکز هسته‌ای خواهد بود؟ و حتی در آن صورت، پیامدها (از جمله آلودگی احتمالی رادیواکتیو) برای مردمی که در مناطق مورد حمله قرار گرفته و فراتر از آن زندگی می‌کنند، چه خواهد بود؟ چرا تحلیل‌گران غربی فرض می‌کنند که حمله‌ی نظامی، ایران را بیشتر مستعد پذیرش مذاکره خواهد ساخت؟ چه چیزی مانع می‌شود، که حمله به ایران، تبدیل به نسخه‌ی بدتر باتلاق عراق و افغانستان نشود، و منطقه‌ی گسترده‌ای از بی‌ثباتی را از مرزهای هندوستان گرفته تا شمال آفریقا ایجاد نکند؟ چرا فرض نشود که تنش بر سر تنگه‌ی هرمز به بحران نفتی جدی، و اختلالی جدی در اقتصاد جهانی، که اکنون با انواع مشکلات و چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، منتهی خواهد شد؟

۱۶. در صورت هر گونه اقدام نظامی، هر چقدر محدود و دقیق، ایران به احتمال زیاد به خروج از معاهده‌ی «ان.پی.تی»، و شاید به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای (حتی اگر با کمی تاخیر) برانگیخته خواهد شد. طرفداران چنین حمله‌ای استدلال می‌کنند که برنامه‌ی هسته‌ای را برای چند سال به تأخیر می‌اندازد، و در این فاصله امید به تغییر رژیم دارند. لیکن، "رژیم" در حالی که دشمنی به طور حتمی رشد خواهد کرد، ناگزیر تغییر نخواهد کرد.

۱۷. جهان عرب باید با نگرانی جدی به اوج‌گیری احتمالی بحران هسته‌ای ایران بنگرد. خاورمیانه ممکن است به محیطی حتی بسیار بی‌ثبات‌تر تبدیل شود. در این زمینه، به نظر می‌رسد که کشورهایمانند عربستان سعودی در مورد برنامه‌ی هسته‌ای ایران بیشتر از پیامدهای شکست صلح بر سر این برنامه نگران باشند.

۱۸. در نتیجه، اکنون بیش از هر زمان دیگری نیاز بسیار بیشتری به یافتن راه حلی وجود

دارد، که مانع از درگیری‌ها شود، و شرایط صلح را بازگرداند. (آیا این مسئولیت اصلی شورای امنیت سازمان ملل متحد نمی‌باشد؟) مهم نیست که چگونه به طور جدی برخی از کشورها، خطرات ناشی از تسلیحاتی شدن برنامه‌ی هسته‌ای ایران را ارزیابی می‌کنند، باید آشکار باشد که جنگ‌های منطقه‌ای، خطر بسیار بزرگتری خواهند بود، و در واقع تهدیدی بسیار جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد خواهند کرد.

چه اقداماتی باید انجام شود؟

۱۹. توافق (و صلح) امکان‌پذیر است، به شرطی که همه‌ی طرف‌های درگیر مسئولیت خود را بپذیرند، و چند گامی به عقب برگردند. از لحاظ نظری آماده‌سازی موافقتنامه‌ی در مورد برنامه‌ی هسته‌ای ایران (که موارد زیر را رعایت کرده باشد)، دشوار نیست:
 - الف. احترام به حق ایران برای اجرای برنامه‌ی صلح آمیز هسته‌ای خود از جمله غنی‌سازی، همان طور که برای هر عضو دیگر «ان.پی.تی» مجاز است؛
 - ب. مستلزم کردن ایران به اجرای پروتکل الحاقی، و حتی برای دوره‌ی محدودی، گسترش آن با موافقت برای سطوح بالاتری از نظارت و بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛
 - پ. محدودسازی سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران بنا بر رضایت طرفین؛
 - ت. حذف تدریجی و پیوسته‌ی همه تحریم‌های علیه ایران؛
 - ث. یافتن راهی بی‌خطر و موثر برای پایان دادن به سوء ظن در مورد فعالیت‌های تسلیحاتی در ایران، به طوری که نگرانی‌های بین‌المللی کاهش یابد؛ و در عین حال از سوء استفاده از این بحث توسط آنهایی که هدفشان تشدید این بحران، به جای حل و فصل آن است، جلوگیری

شود؛

ج. بازگفتن هدف ایجاد انگیزه در همه‌ی کشورها در خاورمیانه برای نابودی سلاح‌های هسته‌ای در منطقه، و پیشبرد یک منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی، همان طور که به تازگی در کنفرانس بازنگری معاهده‌ی «ان.پی.تی» در سال ۲۰۱۰ لازم شناخته شد.

می‌توان به فهرست بالا ایده‌ی ایجاد مراکز بین‌المللی تولید سوخت هسته‌ای، در آینده نزدیک را اضافه کرد. توجه داشته باشید که توافقی مشابه آن چه در بالا خلاصه شد، می‌تواند به شدت ایران را برانگیزد که در «ان.پی.تی» باقی بماند، و گستره‌ی برنامه‌ی هسته‌ای خود را محدود کند. ایران در درون «ان.پی.تی»، بدون توجه به این که تا چه حد ممکن است توانایی‌اش برای انجام این کار پیچیده باشد، سلاح‌های هسته‌ای تولید نخواهد کرد. ایران به طور عمده علاقمند به داشتن نقش رهبری در منطقه است. می‌تواند چنین نقشی را داشته باشد، اگر بتواند خود را به عنوان وزنه‌ی موازنه‌گر در برابر نفوذ غرب ارائه کند. می‌تواند چنین نقشی را داشته باشد، اگر بتواند خود را به عنوان کشور توازن‌کننده‌ی قدرت بزرگ نظامی منطقه‌ای (اسرائیل) ارائه کند، که برای راه‌حل عادلانه‌ی برای فلسطینی‌ها پافشاری می‌کند. می‌تواند چنین نقشی را داشته باشد، اگر نفوذ اقتصادی خود را به منطقه‌ی جنوب غرب آسیا گسترش دهد. می‌تواند چنین نقشی را داشته باشد، اگر تصمیم بگیرد که همه را فریب دهد، و در حالی که در درون «ان.پی.تی» باقی مانده است، سلاح‌های هسته‌ای تولید کند.

۲۰. چگونه از این مرحله به بعدی رفت؟ رسیدن به توافقی مانند آن چه در بالا توضیح داده شد، به موانع متعددی برخورد خواهد کرد. حال و هوای سیاسی در غرب، و به ویژه در

ایالات متحده به شدت ضد ایرانی است، و این مانعی بسیار جدی برای هر گروه سیاسی و یا رهبریت زیرک و دانا است. تجربه‌ی گذشته با اتحاد جماهیر شوروی نشان داد که ایالات متحده می‌تواند گفتگو با طرفی را بپذیرد، که نه تنها دشمن بود، بلکه دشمنی منفور بود. خطر گفتگو نکردن، و به توافق نرسیدن، و خطر حفظ رویارویی (یعنی یک جنگ هسته‌ای فاجعه بار) برای همه آشکار بود. در مورد ایران، در مقایسه عدم تقارن بزرگی وجود دارد. پندار ایالات متحده این است که ایران هم‌بازی برای ایالات متحده بشمار نمی‌آید. ایران به نحوی شریک، به اندازه کافی باوقار، برای مذاکره در نظر گرفته نشده است، بلکه یک کشور شبه-سرکش برای ترساندن بشمار می‌آید. افراد مسئول در ایالات متحده باید این رویکرد را بازبینی کنند. افغانستان در سال ۲۰۰۱ یک دولت سرکش در نظر گرفته می‌شد. اکنون، بیش از ۱۰ سال پس از حمله‌ی ایالات متحده، وضعیت در افغانستان و منطقه پیرامون آن از صلح آمیز بودن به دور است؛ و الان ایالات متحده حتی به گفتگو با طالبان می‌اندیشد. در مورد ایران، هیچ کس به طور جدی نمی‌تواند به حمله‌ی ایران با موشک‌های هسته‌ای، به اروپا یا ایالات متحده فکر کند، اما می‌تواند به زنجیره-ای از رویدادها فکر شود که ممکن است اوضاع خاورمیانه را به وضعیت نسبتاً انعطاف‌ناپذیر با خطرات و هزینه‌های انسانی، سیاسی، و راهبردی بسیار بالا دگرگون کند. پس دیدگاهی عملی و مسالمت‌جویانه باید عاقلانه در نظر گرفته شود. از سوی ایران، خطر این است که جلوی میانجی‌گری احتمالی و یا حتی مذاکره می‌تواند توسط تندروهایی گرفته شود، که همه چیز را از لنز ترکیب اهداف دفاع از حقوق ملی با پیشتانان ضد امریکایی بودن در خاورمیانه و پیشبرد

^۵ برخی افراد این سناریو را در واقع به عنوان سناریویی ممکن مطرح می‌کنند، اما تنها با هدف فروش سیستم‌های دفاع موشکی بالستیک پرهزینه و غیرموثر و با عوارض جانبی جدی برانگیختن دشمنی روسیه.

"نظام" می‌بینند. در این صورت، خطرات و هزینه‌ها برای مردم ایران نباید فراموش شوند. اگر زندگی جمعیت زیاد ایرانی فلاکت‌بار شود، به این یا آن دلیل، رهبری و دولت در نهایت مسئول این وضعیت شناخته می‌شوند. می‌توان تصور کرد که به طور قطعی اگر ایران مورد حمله قرار گیرد، مردم دست‌کم در کوتاه مدت از دولت پشتیبانی کنند، اما چشم‌انداز بلندمدت بسیار کمتر روشن است. از سوی دیگر، توافق بین ایران و آمریکا (و دیگر شرکای مذاکره‌کننده)، یک موقعیت برنده-برنده برای همه خواهد بود: ایالات متحده می‌تواند یک شریک همکاری‌کننده در منطقه (شامل افغانستان) بیابد، بازار نفت مختل نخواهد شد، مشکلات خاورمیانه در محیطی بسیار بهتر مدیریت خواهد شد. برای ایران، بازگشت به حالت عادی‌شده‌ی روابط بین‌المللی به نفع اقتصاد و جامعه ایرانی خواهد بود. در انتها، و نه کم اهمیت، این است که کشورهای منطقه می‌توانند شروع به فکر کردن درباره‌ی انرژی اتمی نه به عنوان راهی برای تقویت قدرت سیاسی خود، و حتی اشاره به برخی از توانایی‌های نظامی آینده، بلکه به عنوان یک مساله اقتصادی و مربوط به انرژی با همه پیچیدگی‌های زیست محیطی پیش رو کنند.

۲۱. کاهش دادن و محدود کردن شعارها اکنون بیش از همیشه بااهمیت‌تر است. جنگ‌های متعددی در گذشته از سوء تفاهم‌ها و پندارهای نادرستی، که از حد گذشته‌اند، سرچشمه گرفته‌اند. شعارپراکنی‌ها ابزار قدرتمندی برای شدت بخشیدن به بادهای جنگ بوده‌اند. در دنیای جهانی شده‌ی کنونی، نقش رسانه‌ها باعث می‌شود، تا شعارها بیش از همیشه تاثیرگذار باشند؛ و بیشتر مواقع حقایق را از لنزهای معیوب ارائه کنند. بر اثر شعارها، ایران اغلب در ایالات متحده به عنوان یک دشمن جهانی دیده می‌شود، در حالی که عموم مردم اغلب اطلاعات بسیار کمی در مورد ایران دارند. شعارهای ضد شیطان بزرگ و یا علیه اسرائیل در ایران، اثرات

بسیار منفی داشته است. اتحادیه اروپا در حال دنبال کردن دستور کار ایالات متحده علیه ایران است؛ و گاهی امواج شعارهایی را از آن سوی اقیانوس اطلس جذب می‌کند. در اسرائیل، ایران اغلب بیش از حد به عنوان تهدیدی برای بقایش، بدون دلیل خوب عینی، دیده می‌شود. با دقت بیشتری به پیشنهادهایی برای راه‌حل‌های میانجی‌گری شده نگرستن، توجه به کاهش شعارها کردن، در نظر گرفتن دیدگاه‌های محتاط‌تر از سوی کشورهای دیگر مانند ترکیه، و همچنین روسیه و چین، می‌تواند مفید باشد. ما همه باید به یکدیگر یادآوری کنیم، که خطرات زیاد هستند؛ و این خطرات شامل احتمال بروز جنگی گسترده در مقیاسی مشاهده نشده در گذشته در خاورمیانه، وخامت جدی اقتصاد جهانی، و وارد آمدن ضربه‌ای سنگین، و احتمالاً فانی به معاهده‌ی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌شوند.